



غفلت از صفت «قائمیت» در معرفی امام عصر(عج)

در نشست «بررسی تأثیر باورداشت امام عصر(ع) در رفتار منتظران» بر ضرورت معرفی جامع امام عصر(ع) و عنایت به صفت «قائم» بودن ایشان در کنار مفهوم غیبت تأکید شد.

در نشست «بررسی تأثیر باورداشت امام عصر(ع) در رفتار منتظران» بر ضرورت معرفی جامع امام عصر(ع) و عنایت به صفت «قائم» بودن ایشان در کنار مفهوم غیبت تأکید شد.

نشست مهدویت در ایکنابه گزارش ایکنای از خوزستان، در آستانه سالروز میلاد حضرت ولی عصر(عج)، نشست «بررسی تأثیر باورداشت امام عصر(عج) در رفتار منتظران» در تحریریه ایکنای خوزستان برگزار شد. حجج الاسلام سیدمرتضی ذاکر نژاد و امین بهرامی(شریعت شوشتری)، از مبلغان و پژوهشگران حوزه مهدویت در این نشست حضور یافتند.

حجت الاسلام ذاکرنژاد، در آغاز این نشست در تبیین تأثیر باور به منجی موعود در زندگی گفت: بدون تردید مهم ترین عامل در زندگی هر انسانی برای تداوم زندگی، امید است. حدیثی از وجود مقدس پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) در بحارالانوار وجود دارد که می فرماید: «إنما الأمل رحمة من الله لأمتي، لولا الأمل ما أرضعت أمٌ ولدًا، ولا غرس غارس شجرًا» امید، رحمتی از ناحیه پرودگار برای امت من است. بعد حضرت مثالی زدند، اگر این امید نبود، هیچ مادری به طفل خود شیر نمی داد و هیچ کشاورزی درختی نمی کاشت.

آنچه باعث می شود انسان به سمت جلو حرکت کند، امید و آرزو است. انسانی که امیدی ندارد، یا به قول روان شناس ها رؤیایی برای خود ندارد، حرکت هم نمی کند. انتظار در حقیقت ایجاد انگیزه و امید برای آینده بهتر است. انسانی که نگاه صحیح به انتظار دارد، برای تکمیل اعتقادات و رسیدن به آن نقطه اوج یعنی رضایت حضرت ولی عصر(عج) برنامه ریزی دارد. ممکن است کسی بخواهد پای منبر امام زمان(عج) بنشیند، یکی مطالعه کند، دیگری اعتقادات خود را تقویت کند، اینها همه در این راستاست.

غیبت امام زمان(عج)؛ دوره ای برای تنبیه انسان یا تکمیل او؟

شاید بعضی از افراد این تفکر را نسبت به موضوع غیبت داشته باشند که «خداوند امام زمان(عج) را از چشم ما غایب کرده تا مردم را تنبیه کند» این خطرناک است، خیلی خطرناک است. غیبت حضرت ولی عصر(عج) یک بحث تکمیلی برای رسیدن به بهترین جایگاه اعتقادی و انسانی افراد است. اگر ما غیبت امام زمان(عج) را به عنوان تنبیه در نظر بگیریم. اثر سوء آن کجاست؟ قرآن این را ذکر کرده است.

در قرآن دو غیبت ذکر شده است که یکی غیبت حضرت یونس(ع) و دیگری غیبت حضرت موسی(ع) است. وقتی قوم حضرت یونس به او ایمان نیاوردند، گفت خدایا عذابی بر اینان بفرست. نشانه های عذاب که رسید، حضرت یونس از نزد خود قوم رفت. سوار کشتی شد و گرفتار دریا و نهنگ شد. بزرگان قوم، مردم را جمع کردند. تضرع و زاری کردند و عذاب برگشت. حضرت موسی(ع) هم وقتی مردم را از فرعون نجات داد و به یک وادی رسیدند. خداوند به او فرمان داد چهل شب مناجات کند. حضرت موسی به هارون گفت مراقب مردم باش. وقتی ایشان بازگشت دید مردم در مدت غیبت او گرفتار گوساله سامری و انحرافات دیگر شدند.

اگر نگاهمان به غیبت، تنبیهی باشد، می گویم آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب. ولی اگر بفهمیم غیبت حضرت ولی عصر(عج) به معنای عدم حضور نیست، بلکه غیبت ظاهری است و حضرت، حضور دارد، اثر آن فرق می کند. بر اساس این تفکر، خداوند می خواهد ما را آزمایش کند تا از بدی ها فاصله بگیریم، و هر چه به حضرت نزدیک تر شویم، آثار بیشتری از ناحیه حضرت خواهیم دید. همین انتظار عامل اصلی حرکت منتظر به سمت کمالات اخلاقی و اعتقادی است. این تأثیر انتظار در زندگی یک منتظر است.

حجت الاسلام ذاکرنژاد مبلغ مذهبی

علمای اخلاق می گویند ما یک انتظار قلبی و یک انتظار بدنی داریم. انتظار قلبی این است که ما از درون معتقد به وجود حضرت ولی عصر(ع) باشیم که در این صورت، آثار و رفتار آن در کردار ما دیده می شود. چنین فردی چشمش را کنترل می کند، زبان خود و سایر اعضا و جوارح خود را کنترل می کند نت مبادا مرتکب گناهی شوند، چون هر گناهی انسان را از مسیر انتظار عقب می

اندازد. در این صورت انتظار بدنی هم شکل گرفته است.

حجت الاسلام بهرامی (شریعت شوشتری) نیز ضمن تبریک ایام نیمه شعبان درباره آثار حضرت ولی عصر(عج) در زندگی گفت: اجازه بدهید قدری به عقب تر از این سؤال برگردیم. یک نکته ای در ارتباط با تعریف خود امام عصر(ع) وجود دارد و آن این است که ما دائماً از «غیبت» امام صحبت می کنیم و این آثاری دارد، گرچه امام «غایب» است، اما کدام غایب؟ آیا ایشان غایبی است که صرفاً باید با دعای ندبه به ایشان توجه کنیم؟ آیا با دعا خواندن صرفاً باید منتظر ایشان بود؟ گرچه دعا اثر دارد، اما آنچه الان در جامعه در موضوع امام عصر(عج) می بینیم، بیشتر رویکرد دعاست. در حالی که باید روی این موضوع توجه داده شود که امام عصر(عج)، «امام حی غایب قائم» است. اگر «غیبت» با کلمه «قائمیت» همراه شد، آن گاه اثر دارد و می توان به عنوان یک الگوی رفتاری از امام صحبت کرد.

اگر صرفاً از امام «غایب» سخن بگوییم، این امام نه هزینه ای برای مردم دارد و نه تأثیری بر زندگی می گذارد، باعث تعالی و رشد افراد نمی شود. انسان یک گوشه ای می نشیند، دعای ندبه ای می خواند و «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِيَوْمِيكَ الْقَرَجَ» هم می گوید و جشنی هم برای نیمه شعبان می گیرد. اینها خوب است، اما چنین تعریفی از امام، باعث می شود ایشان را به نیمه شعبان محدود کنیم. یعنی وقتی امام را صرفاً با عنوان «غایب» یاد می کنیم، اثرگذاری ایشان را در زندگی، محدود تلقی کرده ایم.

وقتی به سیره اهل بیت(ع) نگاه می کنید می بینید سجاده نشین محض نبودند. متأسفانه برخی از افراد در منابر، مثلاً در معرفی امام سجاد(ع) ایشان را با عنوان امام بیمار یاد می کنند. یعنی می خواهند مظلومیت ایشان را نشان دهند مگرراً از بیماری امام سخن می گویند. برای مردم سؤال پیش می آید چنین امامی، چه اثر و کارایی می تواند داشته باشد؟ وقتی کسی در منبر امام را این گونه معرفی کند، مردم چگونه به اعتقاد صحیح دسترسی پیدا کنند؟

قرآن کریم می فرماید: «اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» معیت با اهل بیت(ع)، همراه با حرکت است. پیروی از اهل بیت(ع) قطعاً باعث حرکت و انقلابی در درون فرد و جامعه می شود. باید «امام غایب قائم» را به جامعه معرفی کنیم

اگر امام را با قید قائمیت ایشان در جامعه معرفی کردیم، یک برانگیختگی و انقلابی در جامعه به وجود می آید، گرچه ایشان غایب است و نمی توان این را نفی کرد، اما باید «امام غایب قائم» را به جامعه معرفی کنیم. یک بار در منبر از مجاهدت های امام موسی کاظم(ع) می گفتیم، پیرمردی گفت بیش از ۶۰ سال است که پای منبر می نشینم، چیزهایی که گفتید اولین بار است می شنوم و از کودکی به ما گفتند امام موسی کاظم(ع) در زندان بودند، روزها به روزه داری و شب ها به عبادت سپری می کردند. این مصیبت بزرگی است که اهل بیت(ع) را به این روش معرفی کنیم.

لذا در صورتی که به صفت قائم بودن ایشان توجه کردیم، در مسیر ایشان حرکت کردیم، خودسازی هم در پی آن می آید، سبک زندگی هم درست می شود. چون خود امام، ایستاده در میدان است. رهبر معظم انقلاب این تعبیر را درباره حاج قاسم فرمودند، اما اگر آن را برای امام عصر(عج) به کار ببریم، سخن گزافی نیست، چون ایشان ترجمان کتاب خدا و تالی وحی و ایستاده در میدان مبارزه اعتقاد و تحکیم عقاید است.

حجت الاسلام شریعت شوشتری

افرادی مثل من، ایشان را نمی بینند، اما کسانی هستند که با عنایت حضرت حرکت می کنند. به نظر می رسد اگر از قید قائمیت در کنار غیبت استفاده کنیم، خیلی از مسائل برطرف می شود و زمینه اثرگذاری فراهم می شود. انتظار چیزی به جز خودسازی در مکتب قرآن و عترت نیست

حجت الاسلام ذاکرنژاد در ادامه گفت: این نگاه بسیار خوب و عالی است. اصلاً انتظار چیزی به جز خودسازی در مکتب قرآن و عترت نیست. دست روی دست گذاشتن، معنای انتظار نیست. مرحوم علامه مامقانی، در مقدمه یکی از آثارش، سخنی از سید بن طاووس (تنها عالم شیعی که هر گاه دلش تنگ می شد، اجازه داشت خدمت حضرت ولیعصر مشرف شود) که خطاب به پسرش است نقل می کند: «اگر مرغی در خانه داشته باشی و یک روز آن را گم کنی، چنانچه در اطراف خانه تو، ۱۰ خانه باشد، درب همه این خانه ها را در جستجوی آن مرغ می زنی. به این مقدار به دنبال امام زمانت باش» اصل انتظار این است.

وقتی منتظر واقعی باشم، معرفت ایشان را کسب می کنم، بعد حرکت می کنم و از خود می پرسم چه کنم امام از من راضی باشد؟ این می شود خودسازی. نگوییم حضرت غایب است و دستمان از ایشان کوتاه است. دستورات حضرت، همان دستورات قرآن و اهل بیت(ع) است. اصل انتظار خودسازی است. کمترین حد آن انجام واجبات و ترک محرّمات است.

اگر محبت نسبت به امام ایجاد شود، حرکت ایجاد می شود. خداوند روزی خطاب به حضرت موسی(ع) گفت: مرا محبوب بندگان کن. حضرت پرسید: چگونه؟ خداوند فرمود: نعمت های مرا به آنها یادآوری کن. وقتی اینها را بگویی خودبسته خواهی داشت. ما در دعا درباره حضرت ولیعصر(عج) می خوانیم: «بیمنه رزق الوری» همه موجودات عالم به واسطه ایشان ارتزاق می کنند. ایشان واسطه فیض هستند.

جهان، جهان اسباب است. برخی قوانین نوشته نشده است، اما وجود دارد، قانون جاذبه زمین از روز اول بود، اما نوشته نشده بود و با افتادن یک سیب کشف شد. قوانینی در عالم هست ولو نوشته نشده باشند. مثلاً یکی از قوانین این است که گناه انسان را ذلیل و ترک گناه انسان را عزیز می کند. این یک قانون است، ولو اینکه نوشته نشده باشد. حضرت ولیعصر(عج) حجت الهی است. وجود حجت الهی دارای خواصی است و یکی آن است که برکات از ناحیه ایشان نازل و شرور دفع می شود: «بِی یَدِ قَبْعِ اللَّهِ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِی وَ شِیْعَتِی.» خداوند به وسیله من بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد. حضرت دقت نظر فوق العاده ای دارند

حضرت یک اشراف عام بر ماسوی الله و یک اشراف خاص بر افراد ویژه دارند. چنانکه خداوند نیز رحمانیت و رحیمیت خاص دارند. حضرت صاحب الزمان(عج) واسطه رزق برای تمام مخلوقات هستند؛ حتی نسبت به افرادی که ایشان را قبول ندارند، اما کسی که برای حضرت زحمتی می کشد، حضرت توجه ویژه به او می کند. حضرت دقت نظر فوق العاده ای دارند. شیخ صدوق در خواب به خدمت حضرت مشرف می شود. حضرت به ایشان امر فرمود: در مورد غیبت کتاب بنویس. شیخ صدوق عرض کرده بود: ما کتاب های زیادی نوشته ایم. حضرت فرمودند: در مورد غیبت انبیاء بنویس. شیخ صدوق بعد از این خواب، کتاب «کمال الدین» را می نویسد. ببینید حضرت حتی به پژوهش های ما هم دقت نظر دارند. این نگاه خاص است.

کسی که برای امام زمان(عج) زحمتی می کشد، برکاتی در زندگی او ایجاد می شود که شاید خود متوجه آنها نباشد. به دست آوردن توجه خاص امام زمان(عج)، زحمت می خواهد. باید کار کنیم. همیشه در مباحث مهدویت گفته ایم، این یک بحث عملیاتی است. با خودتان عهد کنید هر روز رو به قبله به حضرت سلام بدهید. اگر دعای عهد بخوانید که عالی است. شب قبل از خواب دو دقیقه با حضرت صحبت کنید. اثرش را در زندگی می بینید. انسان باید کار کند. در جمع خانواده، تشریف های بزرگان به خدمت امام را بگویید. این تبلیغ است.

اصل انتظار، خودسازی است و تا خودسازی نباشد، انسان به برکات انتظار نخواهد رسید:

در مسیر عشق بازی، امن و آسایش بلا است

ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

حجت الاسلام شریعت شوشتری در ادامه در تبیین قائمیت حضرت و اثر آن در زندگی گفت: فهم این موضوع نیازمند کار علمی، مطالعه تاریخ و آرای علما و بزرگان است، اما عموم مردم شاید نتوانند برای این کار زمان بگذارند. اینها از مطالب ساده شده و منابر بهره می برند. مردم لازم است مباحث دینی خود را از یک کارشناس روشنی دریافت کنند. متأسفانه مبلغانی هستند که در عین بزرگی و عظمت، هنوز بیان و ادبیات سنتی خود را دارند. نیازمند این هستیم که قدری به روز مفاهیم را ارائه کنیم. این موضوع بر تفکر افراد اثر می گذارد.

خوب است به قید «قائمیت» عنایت خاصی داشته باشیم. قائمیت یک اقتداری می خواهد، اما این اقتدار، خالی از مهر نیست. بحث مهر و محبت امام پیش می آید. باید بتوانیم اینها را در کنار هم تبیین کنیم. ما دنبال این هستیم که یک تفکر و معرفی صحیحی از امام ارائه شود. علما آثار زیادی در این باره نوشته اند، اما در میدان عمل، مردم ما مبلغان را می بینند. مردم از ما انتظار دارند. باید بتوانیم این معرفی صحیح را انجام بدهیم.

غفلت از صفت «قائمیت» در معرفی امام عصر(عج)

حجت الاسلام ذاکرنژاد در ادامه در پاسخ به اینکه مهم ترین مسئله در تبیین مهدویت چیست، گفت: مهم ترین مسئله، باور داشتن حضرت است. اگر انسان در درون، امام را باور داشته باشد، این باور، آثار خود را در عمل نشان خواهد داد. پیامبر اکرم(ص) از لحظه علنی کردن تبلیغ خود، حضرت علی(ع) را به عنوان وصی خود معرفی کردند و در موقعیت های مختلف، برای ایشان تبلیغ می کنند. بعد از رحلت رسول اکرم(ص) چه شد؟ چند نفر دنبال علی بن ابیطالب(ع) آمدند؟ شش، هفت نفر. پیامبر اکرم(ص) در طول ۲۳ سال، پنج میلیون نفر را جذب اسلام کردند. این را مرحوم عماد اصفهانی در کتاب زندگانی چهارده معصوم ذکر می کند.

یعنی این افراد امام را در وجود خودشان هضم نکردند.

درک امامت، مقدمه می خواهد. امامی که ما در دوره ایشان زندگی می کنیم، امام حی و حاضر است. امورات ما به دست ایشان است. کسی که به زیارت امام رضا(ع) می رود در اذن دخول می خواند: « أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي أَشْهَدُ أَنَّكَ تَرُدُّ سَلَامِي » یعنی ما باور داریم، ایشان ما را می بینند و صدای ما را می شنوند.

ما یک ظهور شخصی داریم و یک ظهور عام. ظهور شخصی یعنی اینکه در وجودم، امام زمان(ع) ظهور کرده است. سخت ترین کار امام زمان(عج) این است که انسان ها را از ظاهر به باطن ببرند. این اصل معنای خودسازی است. کار امام این است که افرادی که شایستگی دارند، از ظاهر به باطن ببرد، این زحمت را امام می کشند. ما غافلیم. امام رضا(ع) در تعریف امام می فرماید: «امام پدری مهربان است.»

بنابراین، دشواری کار، باور داشتن حضرت ولی عصر(عج) است. برای تقویت این باور، در درجه اول، انسان، معرفت خود را افزایش دهد و ثانیاً آنچه مانع درک معنای حقیقی امام می شود از خود دور کند. ما اگر نیاز به تابش خورشید داشته باشیم، خود را در معرض نورش قرار می دهیم. ما هم باید بتوانیم موانع را برطرف کنیم. موانع چیست؟ گناه؛ غیبت، تهمت، خودخواهی و ... اینها ما را از امام زمان(ع) دور می کند. امام نوری است که بر دل می تابد

امام نوری است که بر دل می تابد. چند هزار نفر بعد از پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را دیدند و ندیدند؟ آیا علی(ع) را ندیدند؟ چرا دیدند ولی باورش نکردند. باور داشتن امام، سختی کار است. سی هزار نفر یک طرف ایستادند و تنها هفتاد و دو نفر فهمیدند حسین(ع) کیست. حضرت فرمودند: «هل من ناصر ينصرني؟» نفهمیدند. با اینکه نماز می خواندند و روزه می گرفتند و قرآن می خواندند. می گفتند حسین(ع) بر خلیفه وقت خروج کرده است، لذا اینها امام معصوم را نفهمیدند. تا امام در قلب من منتظر ظهور نکند و در درون او را باور نکنم، آثار این باور را نخواهم دید. باید حرکت کرد و گرنه انکار راحت است و هجمه دشمن زیاد است. کسی که دوست دارد به سعادت برسد باید حرکت بکند. ان شاءالله ما در آستانه ظهور قرار داریم و موضوع خیلی جدی است. باید مهبای این امر باشیم. این موضوع نزدیک تر از تصورات ما است.